

الگوی مفهومی نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش ایران نظریه داده بنیاد

علی نقی معینی^۱

علی معقول*^۲

مسلم چرایین^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

چکیده

نقشه جامع فرهنگی و اجرای برنامه‌های مرتبط با آن، یکی از ابزارهای مهم ایجاد تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش است که به گونه مستقیم و غیرمستقیم منجر به بالندگی فرهنگی سازمانی، توسعه فرهنگی فردی و انسجام اجتماعی آموزش و پرورش می‌شود. هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی مفهومی نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش است. پژوهش حاضر کیفی بوده که با استفاده از راهبرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شد. در این راستا با استفاده از رویکرد هدفمند و به‌کارگیری معیار اشباع نظری، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر (۷ نفر از اعضای هیأت علمی متخصص در حوزه مدیریت آموزشی، ۵ نفر از مدیران ستادی آموزش و پرورش و ۳ نفر از مدیران مدارس) انجام شد. برای به دست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها در طی سه مرحله کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری و کدگذاری باز حاکی از ۱۶ مقوله کلی است که این مقاله یافته‌های پژوهش را در چارچوب مدل پارادایمی شامل: پدیده محوری (ارزش‌ها، مبانی، اصول) عوامل علی (عوامل کلان فرهنگی، شرایط سازمانی، عوامل فردی خانوادگی) عوامل مداخله‌گر (فرهنگ ملی و عمومی، قوانین و سیاست) عوامل زمینه‌ای (فرهنگ سازمانی، جوحمایتی سازمانی) راهبردها (اتخاذ استراتژی نهادینه‌سازی، مشارکت همه‌جانبه، توسعه زیرساخت‌های فرهنگی) و پیامدهای نقشه جامع فرهنگی (بالندگی فرهنگی سازمانی، توسعه فرهنگی فردی و انسجام اجتماعی) تحلیل کرده است.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، سیاستگذاری فرهنگی، مدیریت فرهنگی، الگوی مفهومی

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

^۲ استادیار گروه مدیریت، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول مقاله) ایمیل:

ali.maghool45@gmail.com

^۳ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

آموزش و پرورش بسترساز فرهنگ همکاری های گروهی در مدرسه و تشریک مساعی با نهادهای بازرگانی و صنعتی و نهادهای آموزشی دیگر است (والکر^۱، ۲۰۱۷: ۶۶). یکی از ارکان اساسی توسعه یک کشور، بخش آموزش و پرورش آن است، این بخش از آن جهت دارای اهمیت فوق العاده است که هم ابزاری مهم برای توسعه بوده و هم یکی از اهداف توسعه محسوب می شود، در کشورهای مختلف، استقرار و فعالیت نظام های آموزشی به یک جریان عادی و مستند تبدیل شده است و هر ساله بخش عظیمی از منابع مادی در قالب بودجه های دولتی و هزینه های شخصی، در این راه صرف می شود (جهانیان، ۱۳۹۱: ۹۳). سانران و سانتسون^۲ (۲۰۱۶) معتقد است که توانایی زندگی کردن، فهمیدن و ارزش گذاردن بر معیارهای فرهنگی یکی از ارزشمندترین درس های نظام آموزش و پرورش است که در یک الگوی متناسب می توان آن را برآورده ساخت. ادواردز و کلی^۳ (۲۰۱۵) نیز عنوان می دارد که نظام آموزش و پرورش به لحاظ نوع کار و مکانیزم اثرگذاری آن بر بنیاد جامعه، برنامه ریزی ها و تصمیمات آن خیلی سریع مورد قضاوت افکار عمومی، بازنگری جامعه و تجزیه و تحلیل نخبگان و اندیشمندان قرار می گیرد به همین خاطر مسئولان تصمیم ساز در آموزش و پرورش باید با شناسایی و تبیین ارتباط ارگانیک موجود بین عوامل، شرایط و زمینه های تأثیرگذاری بر برنامه ریزی های فرهنگی و آموزشی و کنترل کارآمد برنامه ها، مواظب بازخورد فعالیت ها و تصمیم گیری های خود باشند و هرگونه طرح و برنامه را با محک دیدگاه های صاحبان فکر و اندیشه سنجش و ارزیابی نمایند. نظام آموزش و پرورش مهم ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت های تعلیم و تربیت، قوام بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی براساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان های دولتی و غیردولتی است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۹). مبانی ارزشی نظام علم و فناوری کشور برپایه مبانی نظری که در مجموعه اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور ارائه شده، استوار است و به مثابه روح حاکم بر حرکت علمی کشور، مشخص کننده جهت گیری های نظام و اولویت ها و باید و نبایدها در عرصه های آموزش، پرورش، پژوهش و فناوری است. سازه های مفهومی سند تحول بنیادین با رویکرد فرهنگی و تربیتی تعریف شده است و نتایج تحقیقات نشان از وابستگی بالا و معنادار مبانی نظری و برنامه های عمل سند تحول بنیادین و نقشه مهندسی فرهنگی را دارد و قرابت این دو سند مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی را تأیید می کند (علیپور، ۱۳۹۰: ۲۱).

دو بعد اصلی و اساسی در سیاستگذاری ها عبارتند از: عوامل (تصمیم گیران) و فرایند (روش) سیاستگذاری. هیچ یک از این دو بعد به تنهایی قادر به ارائه تصویر روشنی از سیاست گذاری نیست. ترکیب این دو عامل منجر به پدید آمدن وضعیت جدید و اشکال گوناگونی از سیاستگذاری می شود که برخی کارا و برخی دیگر ناکارا و ناموفق خواهند بود (اصغری، ۱۳۹۵: ۱).

¹ Walker

² Sundaran & Sauntson

³ Edwards & Klees

سیاست گذاری آموزشی یکی از نخستین فعالیت‌های سیاست گذاری در حیطه اداره امور عمومی توسط دولت هاست، زیرا مبدأ جامعه پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست ها به شمار می رود؛ حتی سیاست گذاری های فرهنگی که عامل محوری توسعه محسوب می شود، نقطه آغازش از سیاستگذاری های آموزشی است چون فرهنگ پذیری با آموزش شروع می شود (نیازآذری و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

فرهنگ، وابسته به سرزمین وزیست بوم آدمیان است و سیاستگذاری فرهنگی باید متناسب با شرایط و اقتضائات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم هر سرزمین صورت پذیرد. افزون بر آن، سیاستگذاری فرهنگی در کشوری مانند ایران، که کشور چند فرهنگی بوده و دارای حکومت دینی است، باید مبانی معرفتی و فلسفی و الزامات مکتب فکری حاکم بر این کشور کهن و با سابقه تاریخی چند هزارساله را در نظر داشته باشد و تمام این مؤلفه ها، عناصر و عوامل، آگاهانه و هوشمندانه در الگوی سیاستگذاری مورد توجه قرار گیرند. اما متأسفانه سیاستگذاری فرهنگی آموزش و پرورش کشور ما، علیرغم وجود نهادها و دستگاه‌های متعدد، فاقد الگوی معتبر بومی است (رستمی، ۱۳۹۶).

تحقق اهداف سازمانی بدون برنامه‌ریزی غیر ممکن است؛ به همین دلیل یکی از وظایف بسیار مهم مدیران برنامه‌ریزی است. حاصل فرایند برنامه‌ریزی انواع برنامه‌ها هستند. خط مشی‌ها (سیاست‌ها) نیز یکی از انواع برنامه‌ها هستند. آنها بیانیه‌ها یا تفاهمات کلی هستند که اندیشه و کنش مدیران را در راه تصمیم‌گیری هدایت می کنند (کونتز، ۱۳۷۴). همچنین خط مشی را هر آنچه را که دولت ها انتخاب می کنند انجام دهند یا انجام ندهند، تعریف می کنند (کواه، به نقل از طاهر پور، دانش فرد و رضایی، ۱۳۹۰).

خط مشی گذاری را می توان از یک دیدگاه، معادل تصمیم‌گیری دانست. زیرا زمانی که خط مشی تصویب می شود یک نوع تصمیم گرفته شده است. ولی تفاوت عمده آن در این است که برخلاف تصمیم‌گیری که بیشتر موردی است خط‌مشی، اساسی‌تر و کلی‌تر است. بنابراین آنچه مهم است این می‌باشد که خط‌مشی ترسیم می‌شود و سپس تصمیمات با رعایت موازین پیش بینی شده در خط مشی اتخاذ می شود. خط مشی یک قاعده کلی است که باید بر قوانین و آیین نامه ها اشراف داشته باشد. یکی از راه‌های ساده کردن خط مشی تبدیل آن مجموعه ای از مراحل مشخص و فرعی است. که نتیجه آن بدست آمدن چرخه خط مشی می باشد که شامل دستورگذاری، تنظیم خط مشی، تصمیم‌گیری، اجرای خط مشی و ارزیابی خط مشی می باشد (هاولت، ۱۳۸۰).

با توجه به ادبیات موضوع و تحقیقات صورت گرفته در خصوص نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش که بیشتر در سازمان های دیگری انجام شده است، تحقیقات صورت گرفته در باب نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش کفایت و جامعیت لازم را ندارد که همین فقر مطالعه در این زمینه و عدم وجود یک مدل بومی برای نظام آموزشی در کشور یکی از انگیزه‌های اصلی این تحقیق می باشد در واقع در مطالعات قبلی که بسیار مختصر بحث شده است اما بر روی مدل جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش کمتر کار شده و مطالعات انجام شده اکتشافی و داده بنیاد نیستند. از این رو پرداختن به عوامل موثر بر مدل نقشه جامع فرهنگی به شکلی جامع تر و چگونگی ارتباط این عوامل در قالب یک الگو از اهداف این تحقیق می باشد که بتوان آن را به عنوان یک الگوی کاربردی در نظام آموزش و پرورش، استفاده کرد.

هر چند پژوهش در حوزه سیاستگذاری و طراحی الگوی مفهومی فرهنگی، به ویژه در عرصه آموزش و پرورش مختصر و نوپاست اما به برخی از پژوهش های انجام شده در این زمینه اشاره می شود.

موسونگ لی و مارن سیشور لوئیز^۱ (۲۰۱۹)، در مقاله ای با عنوان «طراحی یک فرهنگ قوی مدرسه و ارتباط آن با بهبود مدارس پایدار»، ارتباط عناصر کلیدی یک فرهنگ قوی در مدرسه را با پیشرفت تحصیلی را نشان دادند. آنها ابتدا عناصر کلیدی یک فرهنگ مدرسه قوی را شناسایی کرده و سپس برای اندازه گیری عناصر کلیدی یک فرهنگ مدرسه قوی اقدام کردند. ادبیات سیاست و مکالمات بر اهمیت فرهنگ مدرسه به عنوان یک استراتژی ملایم تر در بهبود مدرسه تأکید می کنند. آنها در مقاله خود به مرور متون پژوهشی موجود برای نظریه پردازی عناصر کلیدی یک فرهنگ قوی مدرسه پرداختند و سپس به بررسی این موضوع که چگونه این عناصر فرهنگی با پیشرفت مدارس پایدار همراه هستند پرداختند.

مورات سکیرارگول^۲ (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان «مؤلفه های نقشه فرهنگی آموزش و پرورش» بیان داشتند که عمده ترین مؤلفه های شامل؛ طراحی نظام مدیریت فرهنگی، تلاش برای دستیابی به نظام مدیریت فرهنگ پیوسته، منسجم هدفمند متناسب با سیاست های فرهنگی هر کشور، حرکت در جهت تدوین نقشه جامع توسعه فرهنگ هر کشور، توسعه سطح توانمند فرهنگ جامعه به منظور تصریح چستی و چگونگی، پویای فرهنگ، طراحی راهبردهای کلان عملیاتی جهت وحدت بخش به فرایند پویاتر ساز، فرهنگ جامعه ارزیابی نموده اند.

ایرنا اریابکینا^۳ (۲۰۱۵)، در مقاله ای با عنوان «مدل آموزشی شکل گیری صلاحیت فرهنگی و زیبایی شناسی مدرسه ابتدایی با استفاده از رویکرد «شخصیت»»، به مبانی روش شناسی و مؤلفه های مدل تربیتی شکل گیری مدرسه ابتدایی، صلاحیت فرهنگی و زیبایی شناسی را به عنوان پایه حرفه ای گری مدل خود پرداخت. آنها ابتدا به ارزیابی تناسب مسأله، ایجاد شرایط مطلوب برای شکل دهی صلاحیت فرهنگی و زیبایی شناسی در معلمان مدارس ابتدایی در مؤسسات آموزش عالی که توسط تعدادی از بحث ها که توسط نویسنده شرح داده شده بود را مشخص نمود. آنها توجه ویژه ای به زمینه های اصلی برای مدلسازی فرآیند شکل دهی صلاحیت فرهنگی و زیبایی شناسی معلم مدرسه ابتدایی از رویکرد یادگیرنده محوری دارد - آنها آثار دانشمندان روسی و خارجی هستند، مبذول داشت.

کین زو و برنت جسیک^۴ (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان «به سوی یک رویکرد فرهنگی به منظور درک سیاست آموزش مهندسی در کشور چین» بیان داشتند که ادراک عمل آموزش مهندسی و همچنین ایجاد سیاست گذاری در کشور چین، برای رسیدن به این عمل نیز حساسیت قابل توجهی یافت می شود. با اتخاذ یک روش آنالیز فلسفی تاریخی، این مقاله چگونگی سه دیدگاه های اساسی (مهندسی، مهندس و آموزش و پرورش) را به انواع مختلفی از باورها، مفروضات و همچنین ایده هایی که تا حدی منحصربه فرد و مرتبط با الگوی فرهنگی چینی می باشد را تجزیه

¹ Moosung Lee & Karen Seashore Louis

² Murat Sakir Erogul

³ Irina Aryabkina

⁴ Personality

⁵ Qin Zhu, Brent K & Jesiek

و تحلیل می کند. در بیشتر موارد و به طور خاص، این مفاهیم یاد شده در ارتباط با سه چارچوب فلسفی تا حدی مجزا شامل کنفوسیوس، مارکسیسم و پراگماتیسم اقتصادی می باشد. در این مقاله تجزیه و تحلیل صورت گرفته با مطالعات انجام شده در آموزش و پرورش تطبیقی و مطالعات چین و همچنین گزارش سیاست منتشر شده توسط دولت مرکزی صورت گرفت. بر اساس تجزیه و تحلیل های صورت گرفته، نتایج نشان می دهد که اتخاذ یک رویکرد فرهنگی در مطالعات سیاست آموزش مهندسی، پیامدهای مهمی برای هر دو قشر دانشمندان و سیاست گذاران چینی و غربی خواهد داشت. این مقاله باید در آموزش تطبیقی محققان، آموزش مهندسی بین المللی و سیاست گذاران آموزشی با تمرکز جهانی همراه باشد.

رضایی و کریمی (۱۳۹۶) مقاله ای با عنوان «ضرورت تحول در سیاست های آموزشی، فرهنگی آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن» ارائه دادند. تحقیق آنها از نوع توصیفی و تحلیل مطالعات کتابخانه ای و بررسی نظرات اندیشمندان بود. آنها بیان داشتند که جهانی شدن به مفهوم فرایند جامعه یا دهکده جهانی اطلاق می شود که در آن همگان از حقوق برابر نظیر آزادی بیان، رشد فکری، آرمان یکپارچگی، انجمن های علمی، فرهنگی و صنعتی با ارشاد مدیران شایسته و رهبران کارآمد آموزشی برخوردار باشند، به فعالیت های اقتصادی و مبادلات تجاری بپردازند، گفت و گوهای گروهی و جمعی میان آنان بر پایه های منطقی، تناسب اجتماعی گفتار و آموزه های بهداشت روانی استوار باشد، در روابط متقابل از همکاری مثبت و تعامل اثر بخش بهره بگیرند، از آموختن مادام العمر و رشد همه جانبه خویش در جهانی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت در حال پیشرفت و دگرگونی است لذت ببرند، فراتر از خودخواهی بیندیشند و به دیگرخواهی تمسک جویند. افراد در این دهکده جهانی به آرمان های انسان دوستانه و خیرخواهانه جامعه بشری پایبندند، به پیروی از پیامبران الهی، مصلحان نوع دوست و شایستگان ارشادگر، زندگی اجتماعی را در حیات هموعان و آسایش و سعادت خود را در خوشبختی و رفاه دیگران جستجو کنند. ایجاد چنین شرایطی در عصر جهانی شدن وظیفه اصلی و اساسی آموزش و پرورش است.

سالاریان و اصفهانی (۱۳۹۶)، مقاله ای با عنوان «چالش های مهندسی فرهنگی در نظام آموزش و پرورش» ارائه دادند. آنها با استفاده از مطالعات کتابخانه و بررسی نظرات خبرگان و اندیشمندان، بیان داشتند که آموزش و پرورش از یک سو عهده دار حفظ نظم اجتماعی از طریق درونی کردن ارزش های اصلی جامعه در دانش آموزان و دانشجویان؛ و از سوی دیگر عهده دار پرورش حس خلاقیت و نوآوری در آنان است. این نظام مستلزم برنامه ریزی های نظام مند در عرصه آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای اصلی فرهنگ عمومی است.

نصیری و همکاران (۱۳۹۵)، مقاله ای با عنوان «تربیت فرهنگی دانش آموزان به عنوان رویکردی نوین در نظام آموزش و پرورش ایران» انجام دادند. روش تحقیق آنها از نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی بود. یافته های آنها نشان می دهد معلمان نقش انتقال دهنده فرهنگ را دارند و معلمان برای تحقق این امر مهم، باید قبل از ورود به کلاس روش ها و فنون تربیت فرهنگی دانش آموزان و اهدافی که طی تربیت فرهنگی می خواهند در کلاس دنبال کنند را فرا گیرند و درحین تربیت فرهنگی که در کلاس اتفاق می افتد به نیازهای دانش آموزان توجه و آنها را تا حد امکان برطرف نمایند و در آنها انگیزش تربیت فرهنگی به وجود آورند و در نهایت روش های صحیح تربیت فرهنگی را در کلاس به کار گیرند. همچنین نتایج نشان می دهد تربیت فرهنگی به عنوان رویکردی نوین در نظام آموزش و پرورش ایران می باشد.

محمدی و مظلومی (۱۳۹۵)، مقاله ای با عنوان «نقش آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی کشور» و با هدف تبیین نقش نظام آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی جامعه ارائه دادند. روش پژوهش آنها به شیوه کیفی و از نوع تحلیل اسنادی بود. که در این خصوص کلیه مطالعات و منابع مرتبط با موضوع گردآوری شده و به ارائه یافته های کیفی پژوهش پرداختند. آنها در پژوهش خود، ابتدا به تبیین معانی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و آموزش و پرورش پرداختند و سپس اهداف و ضرورت مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری و سایر اندیشمندان را مورد بررسی قرار دادند و در پایان کارکردهای فرهنگی آموزش و پرورش و نقش آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی جامعه به صورت تحلیلی مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها بیانگر این مطلب است که با توجه به این که مهندسی فرهنگی فعالیتی فراگیر، طولانی مدت و تدریجی است آموزش و پرورش به خاطر منظم بودن، سروکار داشتن با کودکان، نوجوانان و جوانان و حضور طولانی مدت افراد رد این نهاد می تواند به عنوان محوری ترین نهاد مورد توجه مسئولان و برنامه ریزان فرهنگی قرار گیرد.

گنج خانلو و همکاران (۱۳۹۵)، تحقیقی با عنوان «نحوه تربیت فرهنگی دانش آموزان توسط معلمان در آموزش و پرورش» انجام دادند. روش تحقیق آنها مطالعه ی کتابخانه ای بود. یافته های آنها نشان می دهد معلمان نقش انتقال دهنده ی فرهنگ را دارند و معلمان برای تحقق این امر مهم، باید قبل از ورود به کلاس روش ها و فنون تربیت فرهنگی دانش آموزان و اهدافی که طی تربیت فرهنگی می خواهند در کلاس دنبال کنند را فراگیرند، و در حین تربیت فرهنگی که در کلاس اتفاق می افتد به نیازهای دانش آموزان توجه و آنها را تا حد امکان برطرف کنند و در آنها انگیزش تربیت فرهنگی به وجود آورند و در نهایت روش های صحیح تربیت فرهنگی را در کلاس به کارگیرند. نتیجه پژوهش حاضر نشان می دهد که با استفاده از رسانه های گروهی می توان تربیت فرهنگی را بهتر و غنی تر انجام داد. علیزاده نوشتن و همکاران (۱۳۹۵)، مقاله ای با عنوان «بررسی اهمیت هویت بخشی فرهنگی و اجتماعی افراد در عصر حاضر و نقش کارکردهای آموزش و پرورش در آن» و با هدف این مقاله تحلیل بنیان نظری در ارتباط با مفهوم فرهنگ سازی و هویت بخشی صحیح ارائه دادند. روش تحقیق آنها با توجه به ماهیت آن توصیفی -تحلیلی به صورت استنادی و بر پایه مطالعات کتابخانه ای و مرور سایت های موضوعی برای مطالعه متون بود. و در نهایت بیان داشتند که برای کار آموزش و پرورش، در تمامی رده ها باید اهمیت قابل شد و کوشید تا با ظرافت، مفاهیم معتبر فرهنگ ملی را فراخور سن و شرایط افراد به آنها انتقال داد. باید کوشید تا نه چون امروز، نسل جوان از دوران کودکی به بعد در فضایی شاد و سرزنده جذب فرهنگ ملی گردد و پذیرای آن شود تا با رغبت و شور از هویت فرهنگی ملت خود پاسداری کند.

جباری و حسین زاده (۱۳۹۵) در مقاله ای را با عنوان «ارتباط توسعه آموزش و پرورش و توسعه فرهنگی جامعه» و با هدف بررسی ارتباط توسعه آموزش و پرورش و توسعه فرهنگی جامعه ارائه دادند. آنها از روش توصیفی تحلیلی به بررسی و کنکاش این موضوع پرداختند. و بیان داشتند که ارتباط توسعه آموزش و پرورش و توسعه فرهنگی یک جامعه ارتباط مستقیم و همبستگی مثبتی دارند هرچه آموزش و پرورش توسعه مند تر باشد در توسعه فرهنگ جامعه نقش مثبتی را ایفا می کند و در صورتی که آموزش و پرورش از لحاظ توسعه و پیشرفت آن ضعیف باشد می تواند نتیجه عکس دهد.

جباری و آسوده (۱۳۹۵) مقاله ای با عنوان «آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش ها و راهبردهای مواجهه با آن»، ارائه داد. پژوهش وی به روش کتابخانه ای و با استفاده از آرا و نظریات دانشمندان در زمینه آموزش و پرورش و جهانی شدن انجام پذیرفت. وی بیان داشت که در تعیین استراتژی حرکت آموزش و پرورش، باید به دنبال یافتن راه‌هایی برای ایجاد ساختارهای اجرایی مردم‌سالار و جلب مشارکت عمومی و استفاده از همه قابلیت ها و امکانات جامعه و افزایش ظرفیت‌ها بود تا زمینه‌ای فراهم شود که کلیه نخبگان فکری و اندیشمندان و صاحب‌نظران مسائل فرهنگی و سیاسی خود را در امر تعلیم و تربیت و در نظام آموزشی کشور سهیم بدانند.

فرخی (۱۳۹۳) در رساله دکتری با عنوان «الگوی مطلوب سیاست گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران» اعلام می‌دارد: یکی از واقعیت‌هایی که در فضای کنونی نظام جهانی، فرهنگ و نهادهای فرهنگی (مانند مساجد) را به شدت تحت تأثیر قرار داده، قدرت سیاسی یا حکومت است. به عبارت دیگر امروزه گذشته از حرکات طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی براساس برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن «دولت» صورت می‌گیرد. همین‌طور به نظر می‌رسد مسئله اصلی است که مساجد از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون دست به گریبان آن بوده‌اند. به عبارت دیگر چالش جدی در حوزه مساجد همانا فقدان سیاست گذاری واحد پیرامون این‌های دینی (تعیین حدود و ثغور مداخله حکومت پیرامون مسجد در طول چهار دهه از جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۵۷) مورد بررسی قرار داده است.

جانباغ و بیات (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «آسیب شناسی مبانی و فرایند سیاست گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» می‌نویسند: آنچه در چارچوب تئوریک پژوهش حاضر قرار می‌گیرد، بحث ناخودآگاه فکر ایرانی و تداوم فرهنگ ایرانی است که با توجه به روش شناسی انتقادی قصد واکاوی و بررسی سیاست گذاری فرهنگی، آسیب شناسی آن و بالاخره ارائه یک نتیجه‌گیری موافق سیاست گذاری فرهنگی در ایران را دنبال می‌کنیم.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی بوده که در آن با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش بررسی و الگوی مفهومی ارائه شده است. رویکرد نظریه داده بنیاد یک نوع روش پژوهش کیفی است که به گونه استقرایی یک سلسله رویه ای سیستماتیک را به کار می‌گیرد. تا نظریه ای درباره پدیده مورد مطالعه ایجاد کند (استراوس و کوبین، ۲۰۰۸). جامعه آماری پژوهش حاضر شامل اعضا هیأت علمی متخصص در حوزه مدیریت آموزشی، مدیران مدارس و مدیران ستادی آموزش و پرورش می‌باشند. به منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان از نمونه گیری نظری به شیوه هدفمند استفاده شد. هدف پژوهشگر انتخاب مواردی بود که با توجه به هدف پژوهش سرشار از داده بود و پژوهشگر را در شکل دادن مدل نظری خود یاری دهند و این کار تا جایی ادامه یافت که طبقه بندی مربوط به داده‌ها اشباع و نظریه مورد نظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شده است. در نهایت ۷ نفر از اعضا هیأت علمی متخصص در حوزه مدیریت آموزشی، ۵ نفر از مدیران ستادی آموزش و پرورش استان و ۳ نفر از مدیران مدارس به عنوان نمونه در پژوهش مشارکت داشتند. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده. مصاحبه فردی با افراد خبره منتخب تا زمان اشباع داده‌ها که مصاحبه با ۱۵ نفر بود، ادامه یافت زمان مصاحبه ۶۵ تا ۷۵ دقیقه بود

جهت بررسی روایی و پایایی داده‌ها از دو روش بازبینی به وسیله مشارکت‌کنندگان و مرور به وسیله خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد.

یافته‌ها

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال بود که الگوی نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران چگونه است؟ و دارای چه ویژگی‌هایی است؟ از آنجایی که مناسب‌ترین استراتژی برای پژوهش حاضر، استراتژی گرداند تئوری با روش پارادایمی انتخاب شد، پژوهشگر به دنبال پاسخ به سؤالات فرعی‌تری از جمله ابعاد و نشانگرهای نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟ پیامدهای نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟ عوامل علی‌اثرگذار بر نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟ عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟ راهبردهای نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟ می‌باشد. پس از جمع‌آوری داده‌ها و پیاده‌سازی آنها، به صورت خط به خط مورد بررسی قرار گرفته و کدهای باز استخراج شدند. سپس با کنار هم قرار دادن کدهای مشابه و ارتباطات مفهومی، مقولات محوری استخراج شدند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی در قالب ۱۰۶ کد باز و ۱۶ مقوله محوری استخراج شده که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی داده‌های پژوهش

مقولات انتخابی	مقولات محوری	کد باز
پدیده محوری (ابعاد و نشانگرهای نقشه جامع فرهنگی)	ارزش‌ها	۱- تعقل ۲- بصیرت اجتماعی و سیاسی ۳- تدبیر معیشت ۴- و توحید محوری ۵- ولایت مداری ۶- مهرورزی ۷- اخلاق پسندیده ۸- تقوا ۹- عزت و کرامت، ۱۰- علم و معرفت ۱۱- ایثار ۱۲- دانش تخصصی و حرفه‌ای ۱۳- کار و تلاش ۱۴- مردم‌داری ۱۵- امر به معروف و نهی از منکر
	مبانی اصول	۱- ملی و محلی ۲- دینی ۳- تاریخی ۴- فرهنگی ۵- اجتماعی ۶- سیاسی ۷- اقتصادی ۱- دین‌داری ۲- فرهنگ محوری ۳- عدالت ۴- مشارکت مردمی ۵- جامعیت ۶- هماهنگی ۷- کارآمدی ۸- خلاقیت و نوآوری
عوامل علی	عوامل کلان	۱- هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی ۲- فرهنگ قرآن و عترت ۳- ولایت فقیه و ولایت مداری ۳- فرهنگ بسیجی، ایثار و جهاد و شهادت ۴- زبان، ادبیات و خط فارسی ۵- سبک زندگی اسلامی - ایرانی ۶- الگوهای تعاملات اجتماعی، خانوادگی و فردی ۷- الگوی ارتباطات میان فردی و درون‌گروهی کودکان و نوجوانان
	شرایط سازمانی	۱- مشارکت معلمان و کارکنان ۲- ارتباط بین سطوح مختلف مدیریت ۳- ارتباطات بین مدیران ستادی و معلمان ۴- آموزش مولفه‌های فرهنگی به معلمان و کادر آموزشی ۵- توجه به انتظارات معلمان و فرهنگیان ۶- توجه به انگیزه‌ها و نگرش‌های معلمان و

الگوی مفهومی نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش ایران نظریه داده بنیاد

فرهنگیان	
عوامل فردی	۱- میزان تبعیت خانواده ها از الگوی اسلامی-ایرانی، ۲-تحکیم و سلامت خانواده ۳- ارزشهای فرهنگی در بین دانش آموزان و خانواده ۴-گروه های همسالان در بین دانش آموزان ۵-هویت فردی، دینی، خانوادگی، ملی و فرهنگی ۶-فرآیند جامعه پذیری
عوامل مداخله گر	۱-فرهنگ ملی و عمومی ۲-شرایط فرهنگی خانواده ۷-تغییرات گسترده فرهنگی در جامعه ۳-قوانین و مقررات ۲-ضوابط حاکم بر ساختار نظام آموزشی ۳-نگرش به بومی و غیر بومی بودن در فرهنگ اجتماعی ۴-نفوذ سیاسی مسئولان ۵-عرف ها و سنت ها ۶-مرسوم ۶-سیاسی کاری
فرهنگ سازمانی	۱-وجود فرهنگ کار حرفه ای ۲-پایبندی معلمان و کادر آموزشی به اهداف فرهنگی ۳-اعتماد متقابل معلمان، مدیران مدارس و مدیران ستادی آ پ ۴-اعتقاد به کار فرهنگی در آ پ ۵-حساسیت و دغدغه معلمان نسبت به مسئل و موضوعات فرهنگی جامعه
عوامل زمینه ای	۱-وجود مدیریت فرهنگی مسلط و قوی در اجرای نقشه فرهنگی ۲-نظام پرداخت و پاداش مبتنی بر مولفه های فرهنگی ۳-وجود نظام ارزیابی عملکرد ۴-حمایت های درون سازمانی ۵-وجود دستور العمل ها مناسب ۶-سیاسی نبودن مشاغل
اتخاذ استراتژی نهادینه سازی	۱-نهادینه سازی فرهنگ تمسک به قرآن و عترت ۲-بازآفرینی نظام فکری، ساختارهای رسمی و غیررسمی در آموزش و پرورش براساس نقشه فرهنگی ۳-ظرفیت سازی و فرهنگ سازی برای رفع موانع فرهنگی، ساختاری و رفتاری ۴-بازنگری و اصلاح اهداف و کارکردهای فرهنگی در محتوا و برنامه های درسی ۵-بازتولید و ارتقاء مهارت های زندگی براساس سند تحول بنیادین ۶-رصد مقتضیات راهبردی و سیاست های کلی نظام
راهبردها	۱-تقویت مشارکت فراگیر و نظام مند معلمان، مدیران و کادر آموزشی ۲-جلب مشارکت همه جانبه نهاد خانواده ۳-ارتباط و تعامل سازنده با سازمان های اجتماعی و اداری و سایر نهادهای مرتبط ۴-طراحی و توسعه برنامه های پژوهشی ۵-ایجاد فرصت مطالعاتی و آموزشی مشترک میان آ پ و دانشگاه ۶-هماهنگی و تعامل با متخصصان دانشگاهی ۷-حمایت از فعالیت های فرهنگی، میراث فرهنگی و تولیدات هنری و ادبی اقوام مختلف
مشارکت همه جانبه	۱-طراحی و استقرار نظام جامع و کارآمد اطلاعات ۲-طراحی نظام ارتباطات و رسانه ای مبتنی بر آموزه های فرهنگی و ارزش های اخلاقی ۳-ایجاد مراکز پژوهشی و آموزشی در عرصه فرهنگ ۴-تولید محصولات فرهنگی مبتنی بر مولفه های فرهنگ ایرانی اسلامی
پيامدهای نقشه	۱-همسویی نظام آموزشی با تحولات فرهنگی ۲-آموزش و پرورش خلاق بانشاط ۳-

جامع فرهنگی	سازمانی	دستیابی به چشم اندازها، ۴- حرکت به سمت و سوی حیات طیبه (سند تحول) ۵- پویایی فرهنگی در نظام آموزشی ۶- دستیابی به اهداف فرهنگی در آموزش ۷- تسهیل- سازی اجرای صحیح برنامه های درسی مبتنی بر ارزشهای فرهنگی
توسعه فرهنگی فردی		۱- ایجاد انگیزه و رغبت نسبت به تحصیل و کسب دانش ۲- برخوردار از هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی ۳- علاقه مند شدن معلمان و دانش آموزان به فعالیت های فرهنگی ۴- روحیه همکاری و کار جمعی
انسجام اجتماعی		۱- استحکام بنیان خانواده و آموزش و پرورش ۲- مسئولیت پذیری و سازگاری اجتماعی ۳- مشارکت و مسئولیت پذیری سیاسی ۴- ترویج اخلاق و ارزشهای فرهنگی ۵- ارتقاء کارآمدی با محوریت مشارکت مردمی ۶- مقابله مؤثر با جنگ نرم و تهاجم دشمن

در ادامه مطابق با مدل (استراوس و کوربین، ۲۰۰۸). عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدهای مدل نقشه جامع فرهنگی ارائه شده است.

پدیده محوری ابعاد و نشانگرهای نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

تحلیل داده‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش نشان داد که سه محور اساسی نشانگرهای نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران در ابعاد ارزش‌ها، مبانی و اصول مطرح می‌شود. به عبارت دیگر از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش ابعاد و نشانگرهای مدل نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران عمدتاً در ارزش‌ها، مبانی و اصول خلاصه می‌شوند که این ارزش‌ها، مبانی و اصول مدل شایسته نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران را تعریف می‌کند که در زیر تشریح شده اند.

ارزش‌ها

یکی از ابعاد یا مقولات مورد نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش ارزش‌ها بود. در واقع بسیاری از مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باور بودند که مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش نیازمند ارزش‌هایی هست که این مدل را از سایر مدل‌های غیر بومی متمایز می‌کند. دین داری، ولایت مداری، عدالت، ایمان محوری، امر به معروف و نهی از منکر نمونه این تمایزها بود. در همین رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان پژوهش عنوان می‌کند: «مؤلفه اصلی نقشه فرهنگی آموزش و پرورش ما دینداری است ما یک کشور اسلامی با یک نظام انقلابی هستیم و ولایت مداری اصل اساسی توسعه فرهنگی ماست باید اسناد ما عدالت را ترویج کنند دین داری را ترویج کنند ایمان محور باشند باید برای اصلاح امور امر به معروف را پیش بگیرند».

مبانی

یکی دیگر از مقوله‌های مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان، مبانی است. تحلیل داده‌های کیفی پژوهش نشان داد که بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقدند که یکی از مقولاتی که مدل نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش

ایران باید داشته باشند، مبانی است. در همین رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان عنوان می‌کند: به نظرم باید ببینیم اول نقشه راه فرهنگی آموزش و پرورش از چه مبنایی سرچشمه می‌گیرد یا بهتر است بگوییم باید از کجاها گرفته بشود و چه مبنایی داشته باشد فرهنگ را باید براساس مبانی ملی و محلی در نظر گرفت ارزش‌های ملی و بومی شاید اولین مورد باشند به علاوه ما ارزش‌های دینی زیادی داریم که مبنای کار می‌تواند باشد ارزش‌های فرهنگی داریم اجتماعی داریم سیاسی داریم و حتی اقتصادی که می‌توانند مبنای ترسیم نقشه فرهنگی در آموزش و پرورش باشند.

اصول

از دیگر مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، اصول مورد نیاز نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش ایران می‌باشد. بسیاری از صاحب نظران مورد بررسی بر این باور بودند که نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش باید یک سری اصول داشته باشد تا بتواند به اهداف مورد نظر دست یابد. در همین رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش عنوان می‌کند: «باید اصول دین مورد توجه باشد این از همه مهم تر است».

عوامل علی اثرگذار بر نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی نشان داد که سه مقوله یا عامل به عنوان اصلی‌ترین عوامل، مستقیماً بر اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران اثر دارد. از نظر بسیاری از صاحب نظران مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر سه مقوله محوری عوامل کلان فرهنگی، شرایط سازمانی و عوامل فردی و خانوادگی به عنوان مقولاتی هستند که مستقیماً اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

عوامل کلان فرهنگی

همان گونه که اشاره شد یکی از مقولاتی که از داده‌های کیفی پژوهش استخراج شد عوامل کلان فرهنگی بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که عوامل کلان فرهنگی به عنوان یک عامل مستقیم در اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران ایفای نقش می‌کند. به عنوان مثال در همین زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان عنوان می‌کند:

«نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش متأثر از فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی حاکم بر جامعه می‌باشد. آموزه‌های قرآن و عترت، در تمام ابعاد ایمان، سیاست، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... بر تدوین و پیاده‌سازی این سند مؤثر می‌باشد. ولایت‌مداری و ولایت فقیه می‌تواند تمامی فاکتورهای موجود در این نقشه را به سمت هماهنگی و وحدت رویه در فرآیندهای اجرایی و پیروی از مافوق و حاکمیت سوق دهد. فرهنگ جهاد و ایثار با تقویت روحیه از خودگذشتگی منجر به تقویت پارادایم حق‌طلبی و فداکاری در بُعد فرهنگی می‌گردد. میزان نفوذ شاخص‌های اسلامی - ایرانی بین تک تک افراد و تبعیت خانواده‌ها از این شاخص‌ها به گونه‌ای که سبک زندگی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به هویت اسلامی ایرانی انقلابی در خانواده و تمامی اعضای آن بدل شود می‌تواند تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری و تداوم این سند داشته باشد.»

شرایط سازمانی

یکی دیگر از مقولاتی که از تحلیل داده‌های مصاحبه استخراج شد شرایط سازمانی بود. در واقع مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باور بودند که شرایط سازمانی توسط سازمان می‌تواند یک نقش انگیزشی قوی را در توسعه مدل نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایفا کند به عنوان مثال یکی از صاحب‌نظران در این رابطه می‌گوید: «مدرسه و نظام آموزشی به عنوان واسطه بین فرد (دانش‌آموز) و خانواده قرار دارد. در نتیجه انگیزه‌ها، نگرش‌ها و انتظارات معلمان اگر برگرفته از هویت اسلامی ایرانی و انقلابی باشد می‌تواند انعکاس دهنده درستی از ارزش‌های فرهنگی اسلامی ایرانی بین دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان باشد».

عوامل فردی و خانوادگی

از دیگر مقوله‌های استخراج شده در بخش عوامل علی، عوامل فردی و خانوادگی می‌باشد در واقع بسیاری از صاحب‌نظران پژوهش بر این باور بودند که تحکیم و سلامت خانواده ارزش‌های فرهنگی در بین دانش‌آموزان و خانواده به عنوان عوامل مستقیم اثرگذار بر مدل نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش می‌باشد به عنوان نمونه یکی از صاحب‌نظران عنوان می‌کند: «از آن‌جا که خانواده خود به تنهایی می‌تواند در شکل‌گیری و یا تغییرات فرهنگی تأثیرگذار باشد در نتیجه؛ وجود خانواده سالم که ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی درستی را انتخاب نموده و به آن پایبند می‌باشند و تبعیت هر یک از اعضای خانواده از الگوهای اسلامی ایرانی تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری نقشه فرهنگی خانواده و جامعه خواهد داشت ...».

عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی مقولاتی استخراج شد که می‌توان آنها را به عنوان عوامل مداخله‌گر در اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش مورد توجه قرار داد. این مقولات، شامل فرهنگ ملی و عمومی و قوانین و سیاست می‌باشد که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرهنگ ملی و عمومی

یکی از مقولاتی که به عنوان عامل مداخله‌گر در ظهور و بروز مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش مطرح می‌باشد، فرهنگ ملی و عمومی است. در واقع مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این عقیده بودند که فرهنگ ملی و عمومی در اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش منجر به تأثیر متقابل می‌شود به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «فرهنگ و آداب و رسوم ملی، فرهنگ عمومی و بایدها و نبایدهای اجتماعی، و ساختار و رفتارهای اجتماعی متأثر از هم بوده و روابط دوسویه بین هر دو مؤلفه با هم برقرار است. در نتیجه با تغییر هر یک از این سه عامل نقشه جامع فرهنگی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد».

قوانین و سیاست

عامل مداخله‌گر دیگری که از نظرات مشارکت‌کنندگان استخراج گردید، قوانین و سیاست بود. به عنوان مثال می‌توان به نظرات یکی از صاحب‌نظران در این زمینه اشاره کرد که: «می‌توان گفت با تغییر هر یک از فاکتورهای فرهنگ

ملی و عمومی، ساختار نظام اجتماعی و قوانین و مقررات، متناسب سازی سند جامع فرهنگی با این تغییرات صورت می گیرد».

عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی مقولاتی استخراج شد که می‌توان آنها را به عنوان بستر و زمینه اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش قلمداد نمود. این مقولات، شامل فرهنگ‌سازمانی، جو حمایتی سازمانی، می‌باشد که در اینجا به آنها پرداخته می‌شود.

فرهنگ سازمانی

یکی از مقولاتی که از تحلیل داده‌های کیفی استخراج شد فرهنگ‌سازمانی بود. بسیاری از صاحب نظران کلیدی پژوهش بر این باور بودند که وجود فرهنگ‌سازمانی در جامعه و در سازمان امکان اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش را مهیا می‌کند به عبارت دیگر در صورتی که فرهنگ‌سازمانی در سازمانی وجود داشته باشد امکان اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش وجود دارد. به عنوان نمونه در این زمینه یکی از صاحب نظران عنوان می‌کند: «اعتقاد به کار فرهنگی و وجود فرهنگ کار حرفه‌ای از جمله عواملی است که می‌تواند سبب تأثیر بر نقشه جامع فرهنگی شود».

جو حمایتی سازمانی

یکی از مقولات دیگری که از تحلیل داده‌های کیفی استخراج شد، جو حمایتی در سازمان بود. بسیاری از صاحب نظران کلیدی پژوهش بر این باور بودند که جو حمایتی در سازمان امکان اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش را مهیا می‌کند. به عنوان نمونه در این زمینه یکی از صاحب نظران عنوان می‌کند: «اول باید در این زمینه فرهنگ سازی شود و فرهنگ مقاومت در برابر تغییر در سازمان‌ها به خصوص مدارس از بین برود و این احساس به تغییر در افراد سازمانی به وجود بیاید که لازمه آن حمایت‌های مادی و معنوی از افراد سازمانی است وقتی حمایت از طرف سازمان صورت بگیرد افراد خود را جزئی از سازمان می‌بینند و احساس تعلق و تعهد به سازمان خواهند داشت و برای رسیدن به اهداف سازمان دست به هرکاری می‌زنند و منافع سازمانی را بر منافع فردی ترجیح خواهند داد و قطعاً در راستای توسعه نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش که منجر به تحقق اهداف سازمان خواهد شد گام‌های مثبتی خواهند برداشت».

راهبردهای نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

تحلیل داده‌های کیفی پژوهش نشان داد که از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش و به منظور اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش، لازم است که یک سری استراتژی‌هایی اعمال شود تا این مدل اجرا شود به عبارت دیگر از نظر صاحب نظران کلیدی پژوهش سه مقوله یا راهبرد اصلی برای اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش شامل اتخاذ استراتژی نهادینه‌سازی، مشارکت همه‌جانبه و توسعه زیر ساخت‌های فرهنگی می‌باشد که در ادامه مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

اتخاذ استراتژی نهادینه سازی

همان گونه که اشاره شد، نتایج حاصل از تحلیل داده های کیفی نشان داد که یکی از راهبردهای مناسب برای اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش اتخاذ استراتژی نهادینه سازی در آموزش و پرورش می باشد. به عنوان مثال یکی از مشارکت کنندگان می گوید: «با نهادینه سازی فرهنگ تمسک به قرآن و عترت می توان شاخص دینی را در نقشه جامع توسعه داد. حمایت از فعالیت های فرهنگی، میراث فرهنگی و تولیدات هنری و ادبی اقوام مختلف بعد فرهنگ قومیتی را در این سند جای خواهد داد. طراحی نظام ارتباطات و رسانه ای مبتنی بر آموزه های فرهنگی و ارزش های اخلاقی منجر به توسعه شاخص های اخلاقی در این سند خواهد شد».

مشارکت همه جانبه

یکی دیگر از مقولاتی که در بخش راهبردها استخراج گردید، مشارکت همه جانبه می باشد. در واقع مشارکت کنندگان پژوهش بر این عقیده بودند که یکی از اصلی ترین راه هایی که مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش می تواند ظهور کند مشارکت همه جانبه در این زمینه می باشد. به عنوان نمونه در این زمینه یکی از صاحب نظران عنوان می کند: «مشارکت همه جانبه نهاد خانواده، مشارکت معلمان، مدیران و کادر آموزشی، و تعامل سازنده با سازمان های اجتماعی و اداری و سایر نهادهای مرتبط می تواند در تدوین و بهبود نقشه جامع فرهنگی اثرگذار باشد».

توسعه زیر ساخت های فرهنگی

از دیگر مقولات مطرح شده در بخش راهبردها، توسعه زیرساخت های فرهنگی می باشد. از نظر برخی از مشارکت کنندگان یکی از راهبردهایی که می تواند در اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش نقش ایفا کند، ایجاد مراکز پژوهشی و آموزشی در عرصه فرهنگ و تولید محصولات فرهنگی مبتنی بر مولفه های فرهنگ ایرانی اسلامی از این دسته اند. در این خصوص بعنوان نمونه یکی از مشارکت کنندگان پژوهش می گوید: «به واسطه ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی در عرصه فرهنگ، بازنگری اهداف و کارکردهای فرهنگی برنامه های درسی، نهادینه ساختن فرهنگ تمسک به قرآن و تولید محصولات فرهنگی مبتنی بر مؤلفه های فرهنگ ایرانی اسلامی می توان پارادایم بهبود یافته ای نسبت به نقشه جامع فرهنگی داشت».

پیامدهای نقشه جامع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران کدامند؟

بر اساس تحلیل داده های کیفی پژوهش، مقولات سه گانه ای استخراج شدند که می توان آنها را به عنوان پیامد اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش قلمداد نمود. در واقع از نظر مشارکت کنندگان پژوهش، اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش می تواند نتایج مثبتی برای افراد، و سازمان به دنبال داشته باشد که می تواند به عنوان پیامدهای این مدل مقوله بندی کرد. مقولات استخراج شده از نظر صاحب نظران در بخش پیامدها شامل بالندگی فرهنگی سازمانی، توسعه فرهنگی فردی و انسجام اجتماعی می باشد که در ادامه تبیین می شوند.

بالندگی فرهنگی سازمانی

یکی از مقولات محوری استخراج شده از داده های کیفی مربوط به پیامدهای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش، بالندگی فرهنگی سازمانی بود. در واقع بسیاری از مشارکت کنندگان پژوهش بر این باور بودند که

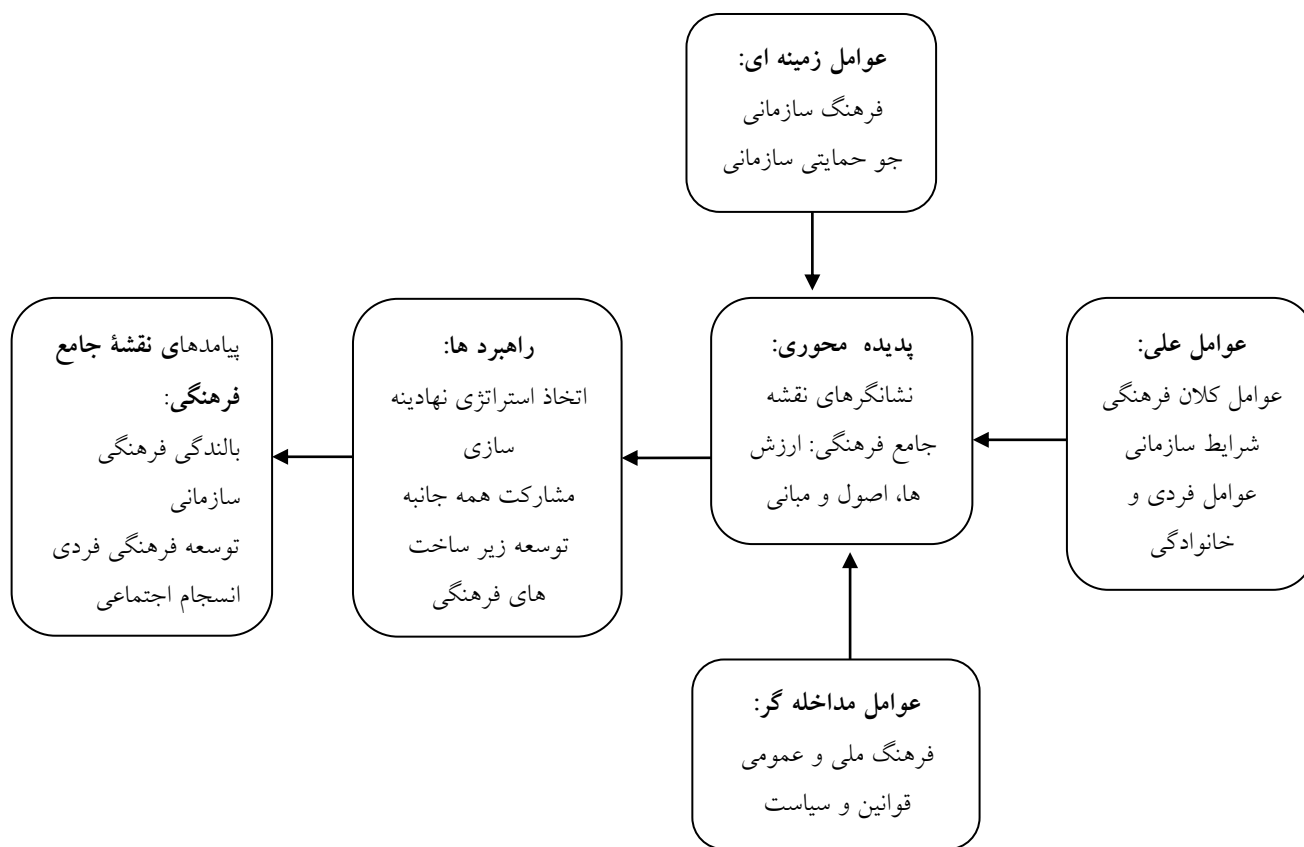
در صورتی که مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش، اجرا شود، اصلی ترین پیامدی که قابل تصور خواهد بود، حرکت به سمت و سوی حیات طیبه و (سند تحول) و تسهیل سازی اجرای صحیح برنامه های درسی مبتنی بر ارزش های فرهنگی است. به عنوان مثال یکی از مصاحبه شوندگان می گوید: «هدف از سند جامع فرهنگی تحول بنیادین و حیات طیبه هستش دنباله روی و حرکت به سمت و سوی سند باید باشد باید به سمت حیات طیبه و مؤلفه های که در سند تحول بنیادین به آنها اشاره شده است کسب کند البته خوب پیامدهای دیگر هم خواهد داشت مؤلفه ها را دنبال نکنیم و روحیه همکاری و رویه کار جمعی هم در بین کارکنان ما در بین معلمان ما در نظام آموزشی تقویت خواهد شد در این راستا یکسری پیامدهای جانبی و خارجی رو هم خواهیم داشت اینکه ما البته اهدافی برای نظام آموزش و پرورش قائل بودیم رو بهش دست پیدا می کنیم اهدافی را که برای اهداف فرهنگی...؛ نشاط خواهد داشت نتیجه اش و پیامدش پویایی فرهنگی نظام آموزشی ما یک نظام آموزشی خواهیم داشت که نقشه راه داشته باشیم و این مؤلفه هایی که در بالا به آن اشاره شد مؤلفه ها را بخوان در واقع پیاده سازی نکنیم. پیامد دیگه ای که می توئیم براش در نظر بگیریم به اینه که پویایی فرهنگی در نظام آموزشی ایجاد میکنه».

توسعه فرهنگی فردی

یکی از مقولات دیگر استخراج شده از داده های کیفی مربوط به پیامدهای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش، توسعه فرهنگی فردی بود. به عبارتی دیگر اغلب مشارکت کنندگان پژوهش بر این باور بودند که در صورتی که مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش، اجرا شود، یکی از پیامدهای مناسب آن توسعه فرهنگی فردی می باشد. به عنوان نمونه یکی دیگر از مصاحبه شوندگان عنوان می کند: «در خصوص پیامدها عرض کنم که پیامدهای زیادی وجود دارد و می توانیم بگوئیم هم اجتماعی است و هم سیاسی است از نظر اجتماعی در رابطه با پیامدها می توان بیان نمود که نقشه جامع فرهنگی با برخورداری از فاکتورها و الزامات ضروری در طراحی و نهادینه سازی روند اجرایی، می تواند در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظام اجتماعی تأثیرگذار بوده و منجر به ایجاد تحولات اساسی در مجموع ساختارهای نظام اجتماعی شود. این نقشه با ایجاد احساس مسئولیت پذیری هر فرد در انجام وظایف و اجرایی نمودن امور، موجب ارتباط بهتر و سازگاری بیشتر فرد در قالب نقش خود در موقعیت اجتماعی می گردد و از طریق ایجاد حس مسئولیت پذیری در فرد می تواند اعضای جامعه را نسبت به سرنوشت سیاسی خود حساس نموده و سبب مشارکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی جامعه، به عنوان یک شهروند و عضو مسئولیت پذیر، گردد. این سند با آموزش اصول درست و کارشناسی شده، سبب حفظ و تأثیرگذاری مؤثر فرد در جایگاه خود در بنیان خانواده، جامعه کوچک آموزش و پرورش و جامعه بزرگتر نظام اجتماعی می گردد و در نهایت با تزریق و ترویج اخلاق و ارزش های فرهنگی در هر یک از اعضای جامعه منجر به ایجاد هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی بین سطوح، نهادها و اعضای مختلف جامعه می گردد. یکی دیگر از پیامدهای اجرای مدل شایستگی مدیران، دستیابی به اهداف و چشم اندازهای سازمانی است. مدیران موفق توانایی این را دارند که اهداف مورد نظر مدارس را به خوبی پیگیری کنند و با تشریک مساعی و توجه به جوانب مختلف در دستیابی به این اهداف موفق شوند».

انسجام اجتماعی

با توجه به داده‌های کیفی پژوهش، یکی دیگر از مقولاتی که به عنوان پیامد اجرای مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش استخراج شد، مقوله انسجام اجتماعی بود. در واقع در صورتی که مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش اجرا شود، انسجام اجتماعی به ظهور می‌رسد. در همین رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «به نظرم موجب استحکام بنیان خانواده و آموزش و پرورش خواهد شد در جامعه مسئولیت پذیری و سازگاری اجتماعی را ترویج می‌کند و می‌تواند مشارکت سیاسی و حتی مسئولیت‌پذیری سیاسی را در جامعه تقویت نماید بطور کلی می‌توانیم بگوییم که اخلاق و ارزش‌های فرهنگی را توسعه می‌دهد.» نهایتاً اینکه با توجه با تحلیل داده‌های و استخراج کدهای باز، مقولات محوری و انتخابی می‌توان مدل زیر را به عنوان مدل کیفی پژوهش براساس رویکرد طرح پارادایمی ارائه داد.



نمودار ۱: مدل کیفی پژوهش براساس رویکرد طرح پارادایمی

بحث و نتیجه گیری

پژوهشگران متعددی با روش کیفی یا روش ترکیبی زیر لایه های فرهنگی سازمان های خود را بررسی کرده اند و ضمن بررسی ارزش ها، مبانی و اصول با توجه به وضعیت بومی منطقه ای الگوهایی جهت شناخت و سنجش فرهنگ در سازمان مورد مطالعه خود طراحی کرده اند. در مطالعات کیفی، فرهنگ، شالوده کار محققان قرار گرفته است تا الگوهای ابعادی فرهنگ بطور عینی تر و با درجه انتزاع کمتر، بومی تر، کاربردی تر و سنجش پذیرتر از آن بدست آید.

برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام آموزش و پرورش چارچوبی راهبردی، هدفمند و عینی برای دستیابی به توسعه فرهنگی با توجه به سیاست‌های فرهنگی آموزش و پرورش است. محققان معتقدند که آموزش و پرورش، نقش اساسی در پیشرفت و توسعه فرهنگی جامعه دارد و بالندگی و پویایی جامعه - به ویژه در بعد فرهنگی بر اثربخشی و پویایی نظام فرهنگی آموزش و پرورش و سیاست‌های آن وابسته است (نصیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۲؛ مورات^۱، ۲۰۱۷: ۳۱). همچنین سان ران (۲۰۱۶) معتقد است که توانایی زندگی کردن، فهمیدن و ارزش گذاردن بر معیارهای فرهنگی یکی از ارزشمندترین درس‌های نظام آموزش و پرورش است که در یک الگوی متناسب می‌توان آن را برآورده ساخت. ادواز (۲۰۱۵) نیز عنوان می‌دارد که نظام آموزش و پرورش به لحاظ نوع کار و مکانیزم اثرگذاری آن بر بنیاد جامعه، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات آن خیلی سریع مورد قضاوت افکار عمومی، بازنگری جامعه و تجزیه و تحلیل نخبگان و اندیشمندان قرار می‌گیرد به همین خاطر مسئولین تصمیم‌ساز در آموزش و پرورش باید با شناسایی و تبیین ارتباط ارگانیک موجود بین عوامل، شرایط و زمینه‌های تأثیرگذاری بر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و آموزشی و کنترل کارآمد برنامه‌ها، مواظب بازخورد فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود باشند و هرگونه طرح و برنامه را با محک دیدگاه‌های صاحبان فکر و اندیشه سنجش و ارزیابی نمایند. آموزش و پرورش بسترساز فرهنگ همکاری‌های گروهی در مدرسه و تشریک مساعی با نهادهای بازرگانی و صنعتی و نهادهای آموزشی دیگر است (والکر^۲، ۲۰۱۷: ۶۶). نظام آموزش و پرورش مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه براساس نظام معیار فرهنگی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی است. گرچه مطالعات و پژوهش‌های مختصری به بررسی الگوی فرهنگی آموزش و پرورش پرداخته است، اما همچنان مدلی یا رویکرد جامعی در مورد این پدیده وجود ندارد و آنچه‌ای که در بخش مبانی نظری هم بیان شد، در هیچ یک از الگوهای ارائه شده به ابعاد، عوامل، و فعالیت‌های مورد نیاز برای نقشه جامع فرهنگی به گونه جامع و کامل پرداخته نشده است، مطالعات انجام شده ماهیتاً قیاسی بودند و در بیش تر موارد، صرفاً به شناسایی ابعادی از این پدیده با تبیین برخی از مولفه‌ها و عوامل موثر بر فرآیند نقشه جامع فرهنگی پرداخته اند. در این بین شواهد اندکی از کاوش فرآیند طراحی مدل نقشه جامع فرهنگی به عنوان یک پدیده مد نظر پژوهشگران قرار گرفته است، با علم به این شکاف مطالعاتی، در این پژوهش، کاوش فرآیند طراحی مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش و توجه به ابعاد گوناگون آن از دید تجربی متخصصان، مدیران ستادی و مدیران مدارس با رویکرد اکتشافی و استقرایی، مدنظر پژوهشگر بوده است. یافته‌های این مطالعه حاکی از ۱۶ مقوله کلی است که پس از تحلیل یافته‌ها طی فرآیند کدگذاری باز و محوری در چارچوب مدل پارادایمی ابعاد متفاوت نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش را بازتاب می‌کند، در این راستا یافته‌های پژوهش نشان دادند، راهبرد اصلی در فرآیند مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش اتخاذ استراتژی نهادینه سازی، مشارکت همه‌جانبه و توسعه زیرساخت‌های فرهنگی می‌باشند. عوامل زمینه‌ای لازم نیز شامل فرهنگ سازمانی و جوامعی، یعنی برنامه‌ای مطلوب که با اعتماد متقابل معلمان، مدیران مدارس و مدیران ستادی آموزش و پرورش در جهت مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش طراحی و اجرا

¹ Murat

² Walker

شود و پیامد نهایی اجرای آن بالندگی فرهنگی سازمانی، توسعه فرهنگی فردی و انسجام اجتماعی می باشد. در خصوص پدیده محوری ابعاد و نشانگر های نقشه جامع فرهنگی، ارزشها، مبانی و اصول مورد توجه قرار گرفتند. همانطور که مشارکت کنندگان نیز تأکید می کنند ارزشها، مبانی و اصول نخستین و مهم ترین گام در طراحی مدل نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش است. در خصوص بستر و زمینه اجرای نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش، فرهنگ سازمانی و جو حمایتی سازمانی مورد توجه بود. عوامل سازمانی، عوامل فردی خانوادگی و فرهنگی ملی و عمومی به عنوان عوامل مداخله گر در یافته های پژوهش مورد توجه قرار گرفتند. در خصوص استراتژی و راهبرد ها مورد نیاز در اجرای نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش اتخاذ استراتژی نهادینه سازی و باز آفرینی نظام فکری، ساختارهای رسمی و غیررسمی در آموزش و پرورش براساس نقشه جامع فرهنگی و هماهنگی و تعامل با متخصصان دانشگاهی و تقویت مشارکت فراگیر و نظام مند معلمان، مدیران و کادر آموزشی و جلب مشارکت همه جانبه نهاد خانواده به عنوان یافته ها مورد توجه قرار گرفتند. نهایتاً در خصوص پیامدهای اجرای نقشه جامع فرهنگی نظام آموزش و پرورش بالندگی فرهنگی سازمانی، توسعه فرهنگی فردی و انسجام اجتماعی مورد نظر قرار گرفتند که منجر به همسویی نظام آموزشی با تحولات فرهنگی دستیابی به چشم اندازها و حرکت به سمت و سوی حیات طیبه (سند تحول) و استحکام بنیان خانواده و آموزش و پرورش و ارتقای کارآمدی با محوریت مشارکت مردمی می باشد.

پیشنهاد می گردد ارزشها و مبانی و اصول از طرف سیاست گذاران آموزش و پرورش مورد توجه و تصویب قرار گیرند. بودجه لازم جهت اجرای برنامه های مشارکت همه جانبه و توسعه زیرساخت های فرهنگی و همچنین اتخاذ استراتژی نهادینه سازی توسط وزارت آموزش و پرورش اختصاص یابد. عوامل کلان فرهنگی، شرایط سازمانی و عوامل فردی و خانوادگی در فرآیند خط مشی و سیاستگذاری مورد توجه وزارت آموزش و پرورش باشد. فرهنگ سازمانی و جو حمایتی طراحی و تدوین گردد. نهایتاً برنامه ها و سیاستگذاری و خط و مشی بالندگی فرهنگی سازمانی و توسعه فرهنگی فردی و انسجام اجتماعی تدوین و اجرا گردد که منجر به دستیابی به چشم اندازها و حرکت به سمت و سوی حیات طیبه (سند تحول) و استحکام بنیان خانواده و آموزش و پرورش می شود.

منابع فارسی

- اصغری، فیروزه. (۱۳۹۵). ارزیابی وضعیت کنونی نظام آموزش عالی ضرورت اجرای سیاست بین المللی شدن دانشگاه ها در ایران، کنگره ملی آموزش عالی ایران
- پرویزی، سرور؛ صلصالی، محسن؛ حاج باقری، ادیب (۱۳۸۶). روش های تحقیق کیفی، تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- جانباز، دیان؛ بیات، مجید. (۱۳۹۰). آسیب شناسی مبانی و فرایند سیاست گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
- جهانیان، رمضان. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل سیاست های توسعه ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی.
- رستمی ابوسعیدی، علی اصغر؛ کریمی فیروزجایی، علی؛ رضاییه شاد، رکسانا. (۱۳۹۶). مقایسه کنش زبانی دانش آموزان پسر استعداد های درخشان با دانش آموزان عادی در دوره دوم متوسطه، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال پنجم، شماره دوم (پیاپی ۱۸)، ص ۵۷ - ۶۶.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ عظیمی دولت آبادی، امیر. (۱۳۸۷). مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طاهرپور کلانتری، حبیب الله؛ دانش فرد، کرم الله؛ رضایی، فرهاد. (۱۳۹۰). شناسایی متغیرهای مؤثر بر استقرار قانون بودجه عملیاتی در سازمان های دولتی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۲، ۳۱-۵۶.
- فرخی، میثم. (۱۳۹۳). الگوی مطلوب سیاست گذاری فرهنگی مساجد در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکترا، دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).
- کوننز، هارولد و دیگران. (۱۳۷۴)، اصول مدیریت، ترجمه محمدعلی طوسی و دیگران، تهران، سازمان مدیریت دولتی.
- لوتان، کوی. (۱۳۷۸). آموزش و پرورش، فرهنگ ها و جوامع، ترجمه محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نیازآذری، کیومرث؛ اسماعیلی شاد، بهرنگ؛ ربیعی دولابی، مجید؛ (۱۳۹۰). سیاستگذاری و فرآیند خط مشی عمومی در نظام آموزشی، قائم شهر، انتشارات مهرالنبی
- هاولت، مایکل؛ رامش، ام. (۱۳۸۰)، مطالعه خطی شمی عمومی، ترجمه: عباس منوریان، دکتر ابراهیم گلشن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

منابع انگلیسی

- Aryabkina, I. (2015). Pedagogical Model of Primary School Teacher Cultural and Aesthetic Competence Formation Using Personality Oriented Approach. Procedia-

- Social and Behavioral Sciences, 214, 10-17.
- Bean, J. (1997). **Integrated curriculum in the middle schooled**. Eric Digest: Integrated Carr: http. P. 2.
 - Edwards, D. B., & Klees, S. J. (2015). Unpacking “participation” in development and education governance: A framework of perspectives and practices. *Prospects*, 45(4), 483-499.
 - Erogul, M. S., Rod, M., & Barragan, S. (2016). Contextualizing Arab female entrepreneurship in the United Arab Emirates. *Culture and Organization*, 1-15.
 - Gonzalez, S., Erogul, M. S., & Barragan, S. (2016). SIMILARITIES AND DIFFERENCES IN TEACHING CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY: EVIDENCE FROM MEXICO AND CANADA. *Journal on Efficiency and Responsibility in Education and Science*, 9(3), 70-80.
 - Lee, M., & Louis, K. S. (2019). Mapping a strong school culture and linking it to sustainable school improvement. *Teaching and Teacher Education*, 81, 84-96.
 - Strauss, A., & Corbin, J. (2008). The basics of qualitative research (3rd ed.) Los Angeles, CA Sage.
 - Sundaram, V., & Sauntson, H. (Eds.). (2016). *Global perspectives and key debates in sex and relationships education: Addressing issues of gender, sexuality, plurality and power*. Springer.
 - Walker, J. (2017). Shame and transformation in the theory and practice of adult learning and education. *Journal of Transformative Education*, 15(4), 357-374.
 - Zhu, Q., & Jesiek, B. K. (2014). In pursuit of the Dao in policymaking: Toward a cultural approach to understanding engineering education policy in China. *Technology in Society*, 38, 169-176